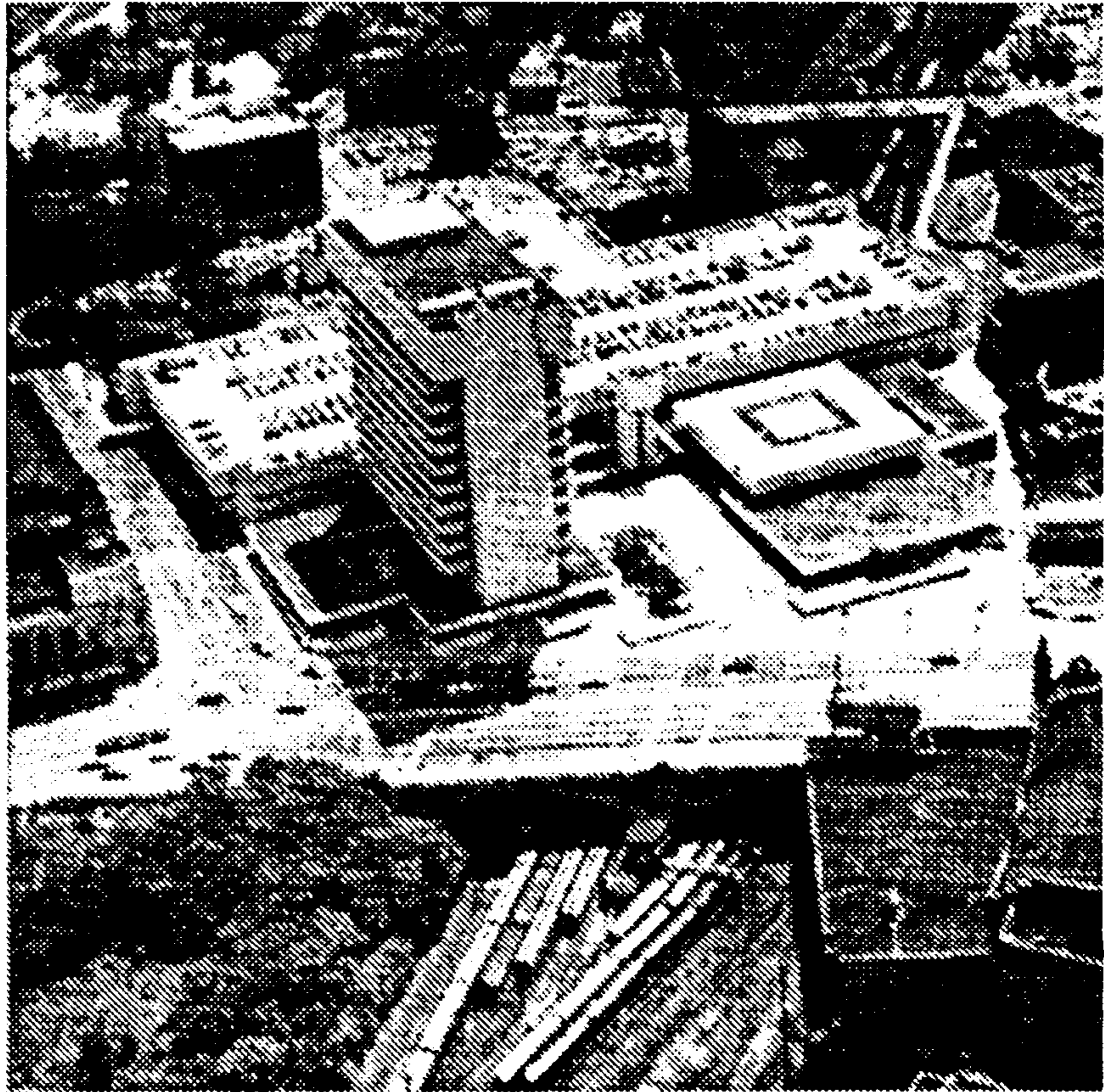


همان طور که در قسمت اول مقاله که در شماره نخست مجله به چاپ رسید بیان شد اصولاً معماری اسلامی در قالب فضا و کالبد هندسی بدون توجه به محتوای آن معنا و مفهوم ندارد؛ و این محتوا آن چیزی است که بر مبنای زندگی اسلامی شکل گرفته باشد. به عبارت دیگر زندگی اسلامی به ما می گوید چه قالبی را انتخاب کنیم. همان طور که برای چگونه زیستن در اسلام دستورهای زیادی داریم، برای ایجاد کالبد و فضای درخور زندگی اسلامی که از آن به عنوان معماری اسلامی یاد می شود باید شرایط لازم که مبتنی بر احکام و دستورهای اسلامی است لحاظ گردد؛ یعنی دقیقاً این شرایط و دستورها بایستی در شکل گیری فضا و کالبد رعایت شود. در بخش دوم مقاله به یکی از این دستورها که بسیار جدی و پراهمیت است اشاره می شود و آن پرهیز از اسراف و تبذیر است که سعی شده است تأثیرپذیری آن به عنوان یک اصل محتوایی بسیار مهم اسلامی در قالب معماری مورد بررسی و تحقیق قرار گیرد. مقام معظم رهبری نیز در پیام نوروز ۷۵ بر جلوگیری از اسراف و تبذیر تأکید فرمودند. لذا ابتدا اشاره ای خواهیم داشت به کلمه اسراف و تبذیر که در فرهنگ اسلامی از آن به عنوان منهیات یاد می شود. ولی آیا ما در عمل به آن توجه جدی نموده ایم یا نه؟ جواب را شاید بتوان در سیمای شهری خودمان و دیگر کشورهای که اسلامی نامیده می شوند مشاهده کنیم.

اصولاً اسراف و تبذیر دو واژه ای است که ریشه قرآنی دارد یعنی قبل از اینکه در احادیث و روایات آمده باشد در قرآن به کرات آمده است. آیاتی که درباره منع اسراف آمده بیش از آیاتی است که درباره مذمت و منع تبذیر آمده و شاید دلیل آن این باشد که انسان بیشتر در معرض اسراف است تا تبذیر. زیرا اسراف به معنی تجاوز از حد اعتدال است و تبذیر به معنی ضایع کردن است؛ و احتمال اینکه انسان از حد اعتدال خارج شود بسیار است و می بینیم که در قرآن در بیش از بیست آیه به منع اسراف و مذمت شخص مسرف اشاره شده است.

باتوجه به مقدمه فوق، در این بحث سعی شده است فضا و کالبد معماری از بُعد تبذیر نیز مورد بررسی و تحلیل قرار گیرد. به عبارت دیگر پرهیز از اسراف و تبذیر به عنوان بُعد محتوایی در موضوع قالب و محتوا در معماری اسلامی برای ما دارای اهمیت خاصی است؛ و لذا هر جا که از قالب و کالبد معماری سخن به میان آید منظور قالبی است که بر محتوای منع از اسراف و تبذیر شکل گرفته باشد؛ و بالعکس قالبی که در آن اسراف و تبذیر به عمل آمده است نمی تواند یک الگوی اسلامی باشد که به دلایل آن اشاره خواهد شد.

پی بردن به اسراف و تبذیر به عنوان بُعد محتوایی در معماری اسلامی بحث بسیار دقیق و ظریفی است و بدون تخصص فنی و علمی و آگاهی دینی و التزام عملی به مبانی



اسراف و تبذیر در معماری

محمد کاظم سیفیان

استادیار دانشکده هنرهای زیبا

گروه آموزشی معماری

(بخش دوم قالب و محتوای در معماری اسلامی)

دینی شاید تشخیص آن ممکن نباشد؛ یعنی اظهار نظر درباره‌ی یک اثر معماری از ابعاد مختلف اعم از فضا و احجام هندسی و مواد و مصالح به کار رفته و هزینه‌ی انجام شده با توجه به مسائل اجتماعی، اقتصادی و سیاسی به خصوص در یک نظام که ارکان آن بر مبنای مکتب الهی پی ریزی شده است کار بسیار مهم و دشواری است. لذا انتخاب آن به عنوان یک بعد محتوایی از همین منظر است و امید است که متخصصان متعهد به اسلام چشم اندازهای بیشتری را با توجه به دستورها و احکام اسلامی (فقه‌های اسلامی می‌توانند در این مورد قالب‌های جدیدی ارائه کنند) به روی علاقه‌مندان بگشایند. همان طوری که اشاره شد زندگی اسلامی مشخص‌کننده‌ی معماری اسلامی است؛ یعنی دستورها و احکام اسلامی مشخص می‌کند چه قالب و کالبد هندسی را متناسب با اوامرو منهیات که در قالب فقه اسلامی به صورت واجبات و محرمات آمده است انتخاب کنیم. حتی برای افرادی که دقت بیشتری نسبت به احکام دارند مستحبات و مکروهات نیز بیان شده که آن نیز می‌تواند در قالب معماری ما تأثیر بسزایی داشته باشد. فضایی که در آن رعایت مستحبات و مکروهات نیز شده باشد دارای ارزش بیشتری است.

حال منع اسراف و تبذیر را به عنوان یکی از منهیات اسلامی که ریشه‌ی قرآنی دارد در قرآن کریم، کتاب وحی الهی، جستجو می‌کنیم و خواهیم دید که قرآن در آیات متعدد، بسیار جدی با اسراف برخورد کرده است؛ تا جایی که اسراف را در آیه ۱۴۷ از سوره‌ی آل عمران مترادف با گناه شمرده است. البته چون احتمال تبذیر یعنی ضایع کردن برای انسان کمتر است (یعنی قطراً انسان دوست ندارد که چیزی را ضایع کند) در قرآن هم شاید بیش از سه آیه به آن اشاره نشده است. ولی احتمال اسراف همیشه هست و همان طوری که در آیه فوق مشاهده می‌شود اسراف مترادف با گناه آمده است؛ یعنی آدم مسرف عیناً گناهکار است و همان طور که برای آمرزش گناه خود بایستی از پروردگار طلب مغفرت کند برای عمل مسرفانه خود نیز باید طلب مغفرت کند. یک اثر مسرفانه نه تنها یک اثر اسلامی نیست بلکه یک عمل غیر اسلامی است که بایستی برای چنین عملی استغفار کنیم.

اگر در آیه ۱۴۷ سوره‌ی آل عمران: «ربنا اغفر لنا ذنوبنا و اسرافنا فی امرنا و ثبت اقدامنا و انصرنا علی القوم الکافرین» دقت کنیم برنامه ریزی کاملی برای یک جامعه اسلامی در آن، که به صورت دعا و درخواست از خداوند متعال آمده است، دیده می‌شود.

گرچه شأن نزول آیه حوادث اُحد است، درسی است برای همه‌ی آیندگان که شکست را به عواملی موهوم و مرموز ربط ندهند و سرچشمه‌ی موفقیت و شکست را در خودشان

جستجو کنند. لذا از تندرویها، به عنوان اسراف در امور، از خداوند طلب عفو و بخشش کنیم؛ یعنی نقاط ضعفی را که سرچشمه‌ی ناکامیها و شکست است نادیده نگیریم و سعی کنیم همه آنها را به عواملی خارجی و بیگانه نسبت ندهیم؛ چون در غیر این صورت هیچ گاه به فکر جبران اشتباهها و برطرف ساختن نقاط ضعف خود برنخواهیم آمد.

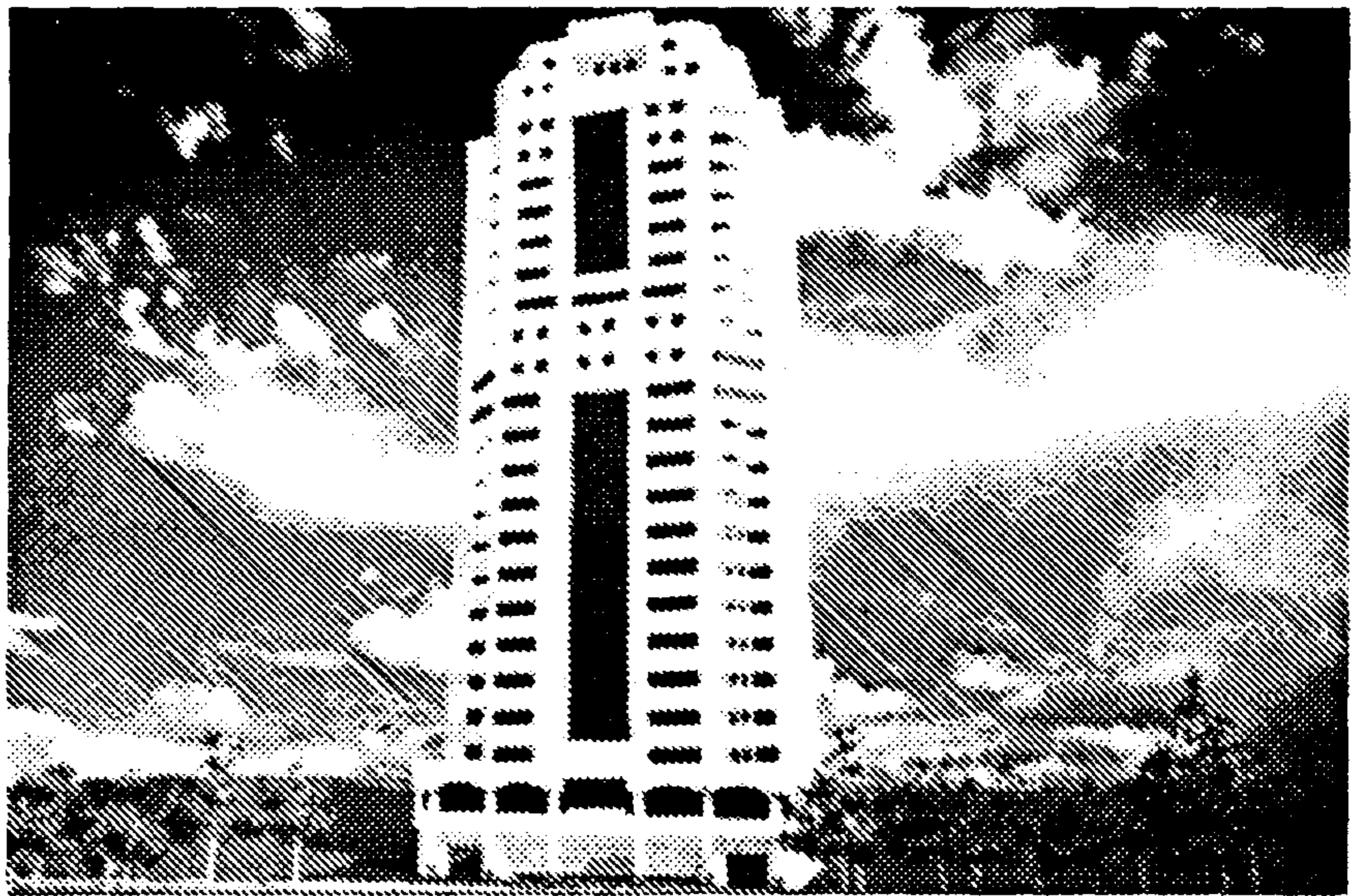
شروع و ختم این آیه بسیار آموزنده و برای یک جامعه اسلامی که در معرض توطئه‌های دشمن است درس بزرگی است. ابتدای آیه با درخواست و طلب عفو و بخشش از خداوند متعال برای گناهان است؛ گناهایی که به خاطر ناآگاهی نسبت به دستورهای دینی است که برای زندگی ما آمده است و یا چنانچه آگاهی داشته‌ایم به خاطر عدم التزام عملی به آن دستورهاست که در این مرحله هم مرتکب گناه شده‌ایم و هم مقدمه‌ای برای مرحله بعدی است که اسراف است. بدون تردید عمل مسرفانه در جامعه‌ای که در گناه غرق شد بسیار خواهد بود؛ و جامعه‌ای که اسراف و تبذیر در آن رایج شود خود به خود در معرض خطر بی‌ثباتی قرار خواهد گرفت. آن جامعه ابتدا ثبات اقتصادی خود را از دست می‌دهد و سپس در اثر عدم ثبات اقتصادی، ثبات سیاسی متزلزل خواهد شد. مسلماً جامعه‌ای که ثبات اقتصادی و سیاسی‌اش را از دست بدهد طعمه‌ی ابرقدرتان خواهد شد و دیگر مرگ بر شرق و غرب در همان مرحله‌ی شعار متوقف خواهد شد و کارایی نخواهد داشت. اگر آیه مذکور را یکبار دیگر مورد دقت قرار دهیم مخصوصاً اگر این بار از آخر آیه شروع به خواندن کنیم، آیه مذکور به ما می‌گوید که اگر می‌خواهید ملت و جامعه‌ای باشید که برابر قدرتها و کفار پیروز شوید بایستی ثبات سیاسی و اقتصادی داشته باشید، و اگر می‌خواهید ثبات سیاسی و اقتصادی داشته باشید بایستی ریشه‌ی اسراف و تبذیر در جامعه خشکانده شود؛ و چنانچه می‌خواهید جامعه‌ای بدون اسراف و تبذیر داشته باشید بایستی گناه نکنید؛ یعنی هم آگاهی دینی داشته باشید هم التزام عملی نسبت به دستورهای دینی. در چنین جامعه‌ای وقتی شعار مرگ بر شرق و غرب یا وانصرنا علی القوم الکافرین را سردهیم دعای ما مستجاب می‌شود و می‌توانیم در مقابل تمام ابرقدرتها بایستیم. جامعه‌ای که به دور از اسراف و تبذیر باشد ضمن داشتن استقلال سیاسی از هرگونه وابستگی اقتصادی که استقلال سیاسی را تهدید می‌کند برکنار خواهد بود.

بسیاری از وابستگیهای ما به خاطر اسرافکاری است که نمونه‌های زیادی از آن داریم. حتی این اسرافکاری می‌تواند در تشکیلات اداری باشد. منظور از تشکیلات اداری تنها خرجهای زائد نیست که بر دولت تحمیل می‌شود بلکه نظام و سازماندهی ادارات، بعضاً یک عمل مسرفانه است که طبیعی

است فشار آن بر بودجه دولت و مستقیم یا غیر مستقیم بر ملت خواهد بود؛ و مسلماً نتیجه آن تهدید ثبات سیاسی و اقتصادی مملکت است. بالعکس اگر در برنامه ریزیهای توسعه، جلوگیری از اسراف و تبذیر را جدی بگیریم ثبات اقتصادی و سیاسی خود را تضمین کرده ایم.

به هر جهت، چون بحث اسراف و تبذیر به عنوان یکی از ابعاد محتوایی در معماری اسلامی است در ساخت و سازها همیشه بودجه های عمرانی ارقام سنگینی را در برمی گیرد که همراه با تورم است، لذا پس از توضیحات فوق در مورد آیه ۱۴۷ سوره آل عمران و ارتباط اسراف با ابعاد سیاسی و اقتصادی جامعه برمی گردیم به ارتباط مستقیم اسراف با فضا و کالبدهای معماری که ممکن است از آنها به عنوان معماری اسلامی هم نام برده شود. متأسفانه بایستی اذعان کرد نه تنها در ساختمانهای معمولی بلکه بعضاً در ساختمان مساجد نیز اسراف و تبذیر دیده شده است. البته همان طوری که قبلاً ذکر شد برای تشخیص اسراف و تبذیر بایستی از ابزار تخصص علمی و فنی و نیز آگاهی دینی استفاده کرد و گرنه ممکن است در دید عامه این اسراف و تبذیر خیلی نمایان نباشد؛ مثلاً ممکن است اسراف در کاشیکاریها و یا تعداد و ابعاد پنجره ها یا خود فضا دیده شود. در جایی ممکن است از اسراف گذشته و به تبذیر کشیده شده باشد. سرنوشت مبذیرین هم در قرآن آمده است که «ان المبدّرین كانوا اخوان الشیاطین» (۲۷ اسراء) یعنی قرین کفر بودن. چون نتیجه کار شیطان کفر بود. حال آیا می شود مسجدی را که به عنوان نمونه ذکر کردیم که مصداقهای اسراف و تبذیر دارد گرچه مسجد است، معماری اسلامی بنامیم؟ ممکن است این بنا از دید یک بیگانه نسبت به احکام و دستوره های اسلامی، معماری اسلامی باشد ولی یقیناً از دید یک کارشناس آگاه به مسائل دینی و دارای تخصصهای فنی و علمی این بنا هرگز معماری اسلامی نخواهد بود. این بنا می تواند به عنوان یک اثر معماری در یکی از ادوار اسلامی حتی در دوره نظام جمهوری اسلامی محسوب شود ولی نه به عنوان معماری اسلامی!!

در آیه ۲۸ سوره غافر چنین آمده است: «ان الله لایهدی من هو مسرف کذاب» یعنی خداوند مردم مسرف دروغگو را هرگز هدایت نخواهد کرد. به عبارت دیگر چون عاقبت کار شخص مسرف تکذیب آیات و نشانه های الهی خواهد بود، هرگز خداوند او را هدایت نمی کند. چنین شخصی جامعه را به فساد و تباهی خواهد کشاند و اوست که با کار مسرفانه خود کسانی را که می خواهند راه درست را بروند اغوا می کند. مبدّرین اخوان شیطان هستند و اسراف مقدمه تبذیر است. پس اسراف هم یکی از اغوای شیطانی



است که جز گمراهی و ضلالت حاصل دیگری ندارد.

مسرف کذاب در خلق فضای معماری چگونه اغوا می‌کند؟ روشن است؛ شخص مسرف چون می‌خواهد مردم را اغوا کند با دست زدن به عمل اسرافکارانه و تبذیر، حقایق علمی و فنی و اقتصادی را کتمان می‌کند؛ و با عمل مسرفانه خود ثبات اجتماعی و اقتصادی جامعه را به هم می‌ریزند؛ یعنی هم تنگنا به وجود می‌آورد و هم مردم را نسبت به نظام بدبین می‌کند؛ و بجاست که از او به عنوان کذاب نام برده شود؛ کذابی که خداوند هرگز او را هدایت نخواهد کرد. متأسفانه نمونه‌های زیادی از این عمل اسرافکارانه را در ساختمانها و فضاهای ایجاد شده به عنوان معماری مدرن می‌بینیم که سعی شده است نظر بیننده را به خود جلب کند؛ آن هم در نظام اسلامی که اینهمه سفارش به پرهیز از اسراف و تبذیر شده است.

در آیه ۱۲ از سوره یونس آمده است: «كذلك زين للمسرفين ماكانوا يعملون» یعنی بدین سان اعمال انسان در نظرش زیبا جلوه می‌کند. این آیه برای ما بسیار قابل دقت است. بسیاری از افرادی که دست به کار مسرفانه می‌زنند مخصوصاً در ساخت و سازها و ایجاد فضاهای شهری و معماری آنچنان غرق در اسرافکاری می‌شوند و آنچنان امر بر آنها مشتبه می‌شود که واقعاً کارشان به نظرشان زیبا می‌آید. اسرافکاریهای شخص مسرف به علت عدم آگاهیهای فنی و علمی و دینی و عدم تعهد و التزام عملی به دستورهای اسلامی زیبا جلوه می‌کند. در صورتی که چنین شخصی ضمن اینکه دیگران را گمراه می‌کند سخت در گمراهی است. در آیه ۲۴ از سوره غافر آمده است: «كذلك يضللُ الله من هو مسرف مرتاب» یعنی بدینسان گمراه می‌کند خداوند مسرف شکاک را. به عبارتی می‌توان گفت کسی که به علت شک و تردید نسبت به اعمال صالح و درست، عمل مسرفانه‌اش زیبا جلوه می‌کند هیچ وقت به فکر اصلاح خود برنخواهد آمد و تأیید اعمال او از طرف عوام باعث ادامه کارش خواهد بود. لذا شخص مسرف به جایی می‌رسد که دیگر راهی برای بازگشت نخواهد داشت و واقعاً در گمراهی قرار خواهد گرفت. وای به حال جامعه‌ای که در برنامه ریزیهای عمرانی و اقتصادی‌اش چنین افراد مسرفی دخالت داشته باشند. طبیعی است ضمن اینکه هرگز موفق نخواهیم شد یک اثر عمرانی اسلامی از خود به جا بگذاریم، جامعه را هم با تورم نارضایتی روبرو خواهیم کرد. خیلی از اسرافکاریهای برنامه ریزان ما سبب می‌شود که فشار تنظیم بودجه اجباراً به مردم منتقل شود. زیرا با درآمد نفتی به علت محدودیت حجم تولید و قیمت بازار کاری نمی‌شود کرد؛ تنها چیزی که می‌ماند پروژه‌هایی است که اسراف و تبذیر مسرفان در آن

به وضوح دیده می‌شود. چنانچه با آنها برخورد جدی نشود برای انجام چنین پروژه‌هایی فقط یک راه وجود دارد و آن اخذ عوارض و مالیات بیشتر و در نتیجه تورم و نارضایتی و تهدید نظام است، پس ملاحظه می‌شود که اسراف و تبذیر چه ضربه سنگینی به نظام مقدس ما وارد می‌کند؛ و اگر خدای نکرده برخلاف دستور قرآن که در آیه ۱۵۱ سوره شعرا می‌فرماید «ولاتطیوا امر المسرفین» اوامر مسرفین را اطاعت کردیم بدانیم که همراه با مسرفین طبق آیه ۴۲ از سوره غافر اهل آتش هستیم و بر طبق آیه ۹ از سوره انبیاء سرنوشتی جز هلاکت و نابودی نداریم؛ همان طوری که فرعونیان در طول تاریخ به چنین سرنوشتی دچار شد.

علت هلاکت فرعون چه بود؟ علت از آیه ۸۲ از سوره یونس مشخص می‌شود: «ان فرعون لعال فی الارض و انه لمن المسرفین» یعنی فرعون آدمی بود که دنبال برتری جویی و تجمل پرستیهای کاذب بود. بدیهی است چنین آدمی جز از طریق اسراف و تبذیر به اهداف خود نخواهد رسید. لذا می‌بینیم برتری جویی و اسراف و تبذیر و کافر شدن مترادف یکدیگر است. نتیجه کار فرعون کافر شدن بود و نتیجه کفر و شرک هم هلاکت است.

البته همان طوری که در آیه ۱۲ از سوره یونس آمده است گاهی آدم مسرف آنچنان غرق در اسراف و تبذیر می‌شود که خودش نمی‌فهمد و خیال می‌کند که کار درستی انجام می‌دهد. «كذلك زين للمسرفين ماكانوا يعملون». شاید معمار یا به اصطلاح آرشیوتکتی که مسئولیت طراحی و انجام ساختمان را به عهده گرفته است خودش نفهمد که دارد اسراف می‌کند ولی عملش از دید افراد کارشناس متعهد و متخصص صد درصد اسرافکاری است که زیان آن متوجه جامعه می‌شود. ولی درجایی دیگر همان معمار و یا آرشیوتکت مانند شیطان عمل می‌کند.

«لازین لهم فی الارض و لاغوینهم اجمعین» (آیه ۲۹ سوره حجر) گاهی معمار و یا آرشیوتکت شیطان صفت خودش می‌داند که کار مسرفانه انجام می‌دهد ولی چون قصد اغوا و گمراهی مردم را دارد دست به این کار می‌زند. طبق آیات بعدی سوره حجر تنها بنده‌های خالص خدا هستند که گول اغوای شیطان را نمی‌خورند و گرنه عامه مردم در خطر گمراهی هستند. اینجاست که تمیز معماری اسلامی از غیر اسلامی برای جامعه بسیار مشکل می‌شود. توصیه می‌شود برادران متعهد و متخصص و کارشناس امور فنی و معماری آیات بسیاری را که در قرآن کریم در رابطه با منع اسراف و تبذیر آمده است مطالعه کنند تا در فضاهایی که به عنوان کالبد معماری ایجاد می‌کنند قالبی به وجود آورند که مبتنی بر محتوای اسلامی باشد.